



انترناسیونال

۶۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۸ دی ۱۳۸۳، ۷ ژانویه ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

برنامه زنده انترناسیونال

برنامه ای با شرکت اصغر کریمی

صفحه ۷

اعتصاب مدرسه انقلاب

نوشته ای از اصغر کریمی

صفحه ۷

کمدی هیئتی از عراق

ناصر اصغری

صفحه ۸

در حاشیه رویدادها

سیاوش مدرسی

صفحه ۸

اعتصاب کارگران نساجی سندج پیروز شد! زنده باد کارگران اعتصابی نساجی!



برنامه زنده تلویزیون انترناسیونال

در باره اعتصاب کارگران نساجی سندج

گفتگو با آذر ماجدی و اصغر کریمی



طرح وسیع این اعتصاب، خواست های کارگران اعتصابی و کمک به این اعتصاب است. تلویزیون

صفحه ۳

حقیقت سخت زندگی طبقه کارگر و تلاش و مبارزه کارگران برای بدست آوردن بخشی از حقوق پایمال شده شان است. تلاش ما

آذر ماجدی: هدف در وهله اول جلب حمایت گسترده برای کارگران اعتصابی بود. این اعتصاب تنها یک نمونه از

انترناسیونال: تلویزیون انترناسیونال در روز دوشنبه ۱۴ دیماه ۴ ساعت کامل برنامه زنده در باره اعتصاب کارگران نساجی سندج داشت. هدفشان چه بود و تا چه حد موفق شدید؟



نامه به همسران و خانواده های کارگران نساجی در سندج

صفحه ۲

نسرین رمضانعلی طول این مدت موفقیت های زیادی

امروز اعتصاب کارگران نساجی وارد شانزدهمین روز خود شد. مبارزه برحق کارگران نساجی در

سد اختناق

در هم گوید

می شود!

۴ ساعت برنامه زنده ویژه

صفحه ۴



سیزدهمین روز اعتصاب قدرتمند خود را پشت سر می

کیوان جاوید امروز دوشنبه ۱۴ دی ماه است و کارگران نساجی سنندج

همبستگی پر شور طبقاتی!

صفحه ۷

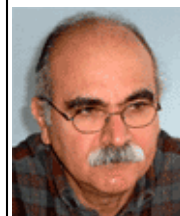
پیام های اصغر کریمی، محمد آستگران و علی جوادی به کارگران اعتصابی در سندج

صفحه ۶

در آخرین لحظات انتشار انترناسیونال خبر پیروزی کارگران نساجی اعلام شد. جزئیات دقیق این مبارزه پیروزمند متعاقباً منعکس خواهد شد.

کارگر کمونیست ۷۶

منتشر شد



ستون اول

حمید تقوایی

بارقه ای در جنبش کارگری ایران نگاهی به اعتصاب کارگران نساجی

بیش از دو هفته است که اعتصاب پیگیر و متحد و استوار کارگران نساجی سندج ادامه دارد. این اعتصاب هم از نقطه نظر تداوم و درجه تشکل و همبستگی آن و نحوه مواجهه با دولت و مدیریت و هم از نقطه نظر نقش و تاثیر حزب کمونیست کارگری، خصوصیات ویژه و برجسته ای دارد و میتواند سر فصل جدیدی در جنبش کارگری در ایران باشد. خواستها و مطالبات این اعتصاب نظیر تمديد قراردادهای کار و استخدام کارگران قراردادی، ارتقا و بهبود شرایط بهداشتی و ایمنی محیط کار، بازگرداندن کارگران اخراجی و غیره مطالبات بر حق و پایه ای کارگران در سراسر ایران است و تا کنون بر سرهمین نوع خواستها اعتراضات و اعتصابات بسیاری در کارخانه های مختلف صورت گرفته است. این خصوصیت گرچه نشانه اهمیت سراسری این اعتصاب است، جایگاه ویژه ای به آن نمیدهد. آنچه به این

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

ستون اول

اعتصاب ویژگی میبخشد قبل از هر چیز درجه تشکل و همبستگی کارگران اعتصابی است. تشکیل جلسات متعدد مجمع عمومی در طی اعتصاب و برخورد متشکل و یکپارچه کارگران به دولت و کارفرما با اتکا به مجمع عمومی یک خصوصیت بارز این اعتصاب است. نمایندگان کارگران منظم در مجمع عمومی حاضر میشوند و نتیجه مذاکرات خود با مدیریت و نمایندگان دولت را به اطلاع همه کارگران میرسانند و نظر کارگران را جویا میشوند. نمایندگان دولت و مدیریت در مقطعی از کارگران خواستند که از هر شیفت چند نماینده برای مذاکره بفرستند، و این ترفند و کوشش مودیانه ای برای بخش بخش کردن کارگران و تفرقه انداختن بین آنان بود. اما تشکیل جلسات مجمع عمومی کارخانه که کارگران همه شیفتها را در بر میگیرد و اتکای نمایندگان کارگران به مجمع عمومی اجازه نداد که دولت و کارفرما در این تفرقه اندازی موفق شوند. پاسخ کارگران این بود: اجازه نمیدهیم نمایندگان ما را دور بزنید، هر حرفی دارید به آنها بزنید. در چند مورد نیز نمایندگان دولت و کارفرما ناگزیر شدند مستقیما در مجمع عمومی حاضر شوند و قاطعیت و سازش ناپذیری کارگران را مستقیما و بدون واسطه تجربه کنند. مسلما نجفی مدیر عامل کارخانه که بعد از خط و نشان کشیدن برای کارگران در مجمع عمومی کارگران به گریه افتاد و ناگزیر به استعفا شد، این تجربه تلخ را هرگز فراموش نمیکند.

حزب ما همیشه بر امکان پذیری و مطلوبیت و کارآئی مجامع عمومی کارخانه در مبارز کارگری

از صفحه ۱

نامه به همسران و ...

را کسب کرده است. کارگران با اتکا به مجمع عمومی خود در مقابل تمامی ترفندها و حيله های کارفرما برای کنترل و به شکست کشاندن اعتصاب توسط کارفرمایان و مقامات رژیم ایستادگی کرده و سیاستهای ضد کارگری اش را خنثی نموده اند. این یک مبارزه مهم، یک رویارویی جلی کارگران با رژیم و کارفرماهاست. ایستادگی، مقاومت و جدیت کارگران

اند، اما علاوه بر آن و آنچه کمتر سابقه داشته است، حمایت کارخانه ها و جمعهای مختلف کارگری در خود ایران از این اعتصاب است. تا کنون از نزدیک به ۲۰ کارخانه از شهرهای مختلف ایران، از کرمانشاه و آبادان و کرج تا تهران و ساوه و ماهشهر و سقز و تبریز، جمعهای کارگری را در پیامهای پر شوری از اعتصاب کارگران سنجند حمایت کرده اند، در مواردی کارگران به نوشتن تومار حمایتی و جمع آوری امضا دست زده اند، و در یک مورد، که نمونه گویایی از مدرنیسم و ابتکار عمل کارگران است، جمعی از کارگران کارخانه شاهو سنجند آهنگی از یک گروه موزیک پاپ غربی را بعنوان همبستگی به کارگران نساجی تقدیم کردند. این درجه از اعلام حمایت و همبستگی هم از لحاظ وسعت و هم اشکال و کیفیت ابراز پشتیبانی، بیسابقه است و نشانه امید بخشی است از همبستگی و اتحاد مبارزاتی کارگران مراکز مختلف در یک مقیاس سراسری.

اما در کنار این دستاورها و نقاط قوت، اعتصاب کارگران سنجند از یک نقطه نظر دیگر نیز ویژه و امید بخش است: از نقطه نظر نقش و تاثیر عملی حزب ما و بخصوص حضور و دخالتگری علنی و اجتماعی حزب بر جریان اعتصاب. حزب و تلویزیون حزب بعنوان سخنگو و تریبون منعکس کننده این اعتصاب و حامی آن در برابر مدیریت و دولت، و عامل راهگشا و رهنمود دهنده به اعتصاب کارگران عمل کرده است و این در یک سطح علنی و اجتماعی و رو در رو با رژیم اسلامی انجام پذیرفته. تاکنون در موارد متعددی عوامل دولت و مدیریت از نقش حزب کمونیست کارگری در

اعتصاب شکوه کرده اند و با این پاسخ کارگران مواجه شده اند که حق ما را بدهید تا آنها هم دخالت نکنند! بدون فعالیتهای ما بیشک خبر و گزارشات اعتصاب در چنین وسعتی پخش نمیشد (بقول یکی از مقامات، "اینهمه سرو صدا به پا نمیکرد") و اساسا وزن و جایگاه و ابعاد فعلی را در جامعه و در میان کارگران پیدا نمیکرد. این تجربه، در جنبش کارگری ایران، یکی از اولین نمونه های ظاهر شدن یک پارچه و همبسته کارگران و حزب طبقاتیشان در یک مصادف معین در برابر دولت و کارفرمایان است. این تجربه بخصوص نشاندهنده توازن قوا و مناسبات جدیدی در رابطه بین دولت، طبقه کارگر و حزب طبقه است. در جامعه ایران بیسابقه بوده است که عوامل دولت در در جریان یک اعتصاب و خطاب به کارگران از دخالت یک حزب کمونیست معین صحبت کنند بی آنکه جرات داشته باشند و بتوانند بر آن نام "توطئه" و "دخالت بیگانگان" و غیره بگذارند و در مقابل، کارگران اعتصابی نه تنها مرعوب نشوند و از خود "رفع اتهام" نکنند، بلکه روشن و صریح و قاطع پاسخ بدهند که "حقمان را بدهید تا حزب کمونیست کارگری دخالت نکند!" یا بعبارت دیگر "دردتان چیست؟ حزب دارد از حق ما دفاع میکند!"

در جوامع اروپایی و کشورهایی که کارگران در سطح حزبی و توده ای بسیار متشکل تر از طبقه کارگر ایران هستند حضور و طرح نام احزاب در مذاکرات بین کارگران اعتصابی و دولت و کارفرمایان و برسمیت شناسی نقش و دخالت احزاب در اعتصابات امر عادی و هرروزه ایست. ولی در ایران اختناقزده دیروز شاهنشاهی و امروز اسلامی، مطرح شدن نام حزب کمونیست در یک اعتصاب جاری

همسران شما در طول این مبارزه سختی های زیادی کشیده اند. بدون حمایت و پشتگرمی شما، بدون شرکت شما در این مبارزه، بدون مقاومت و پافشاری شما عزیزان، امکان ادامه این مبارزه طولانی وجود نداشت. اما نقشی که شما میتوانید بر دوش بگیرید بسیار مهم تر و عظیم تر است. شما واقعا میتوانید کل شهر را به حرکت در آورید. میتوانید فضای شهر را به

بی آنکه کسی بتواند مرعوب کند و بی آنکه کسی مرعوب شود، یک گام بلند بجلو و طلیعه دوره تازه ای در مناسبات بین دولت و طبقه کارگر و حزب اوست. این به نوبه خود نشاندهنده موقعیت قدرتمند چپ و مشخصا حزب کمونیست کارگری در کل جامعه ایران علی العموم و بویژه در کردستان است. این نشاندهنده نقش و نفوذ حزب ما در یک ابعاد اجتماعی و با استفاده از مکانیسمها و اهرمهای اجتماعی نظیر رادیو و تلویزیون است. برای اولین بار، اولین بار نه تنها در ایران بلکه در تاریخ مبارزات کارگری در سراسر دنیا، یک اعتصاب در حال جریان کارگری توانست صدا و فریاد اعتراض خود را از تریبون تلویزیون بگوش ملیونها نفر برساند، و برای اولین بار رهبران و فعالین یک حزب کمونیست انقلابی توانستند در یک برنامه زنده تلویزیونی چندین ساعت از یک مبارزه جاری کارگران سخن بگویند، حمایت جلب کنند، رهنمود بدهند و با مردم و کارگران در داخل و خارج ایران بطور زنده ارتباط بر قرار کنند. این اتفاق در یک مقیاس جهانی امر بیسابقه ایست. این دستاورد عظیمی ایست که تکنولوژی امروز، وضعیت سیاسی عمومی در ایران، و وجود و حضور حزب رادیکال و انقلابی و دخالتگر و موثری که میداند چطور باید این تکنولوژی را بر علیه نظام سرمایه داری بکار بگیرد ممکن و عملی کرده است. این مهمترین ویژگی و نقطه قوت اعتصاب کارگران سنجند، و جنبش کارگری و طبقه کارگر در سراسر ایران است. نقطه قدرتی که بزودی پرچم سوسیالیسم و طبقه کارگر را در پیشاپیش صفوف انقلابی که بزودی فرا خواهد رسید، به اهتزاز در خواهد آورد. *

بخشی از نیروی اعتراض کارگرایان و به حرکت درآمدن شما نیروی اعتصاب را ده چندان میکند. شما به همبستگی وسیع با مبارزه قهرمانانه همسرانان دامن میزنید. به میدان بیایید و دست در دست کارگران اعتصابی و در صفوف هر چه فشرده تر و متحدتر نیروی اعتصاب را قدرتمندتر کنید. امروز روز اتحاد، روز مبارزه و روز به نمایش گذاشتن تمام قدرت کارگران به عنوان یک طبقه است. *

از صفحه ۱ برنامه زنده تلویزیون انترناسیونال

انترناسیونال سخنگوی آزادیخواهی و حق طلبی مردم است. صدای کارگر و انسان های شریفی است که روزمره زیر فشارهای طاقت فرسای جمهوری اسلامی سرمایه با فقر و استثمار و زورگویی دست و پنجه نرم می کنند. ما بطور روزمره تلاش می کنیم که حقایق را برای مردم بازگو کنیم، تلاش می کنیم که در میان مردم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری همبستگی و اتحاد ایجاد کنیم و مردم را متحد کنیم. این هدف و امر هر روزه ماست. لذا هر حرکت حق طلبانه مردم، هر اعتراض مردم، هر تلاش و تقاضای مردم در عقب نشانند جمهوری اسلامی، در جهت گرفتن حق شان در تلویزیون انترناسیونال منعکس می شود. مبارزات کارگران علیه سرمایه داران و علیه جمهوری اسلامی در تلویزیون انترناسیونال جایگاه مهمی دارد.

تلویزیون انترناسیونال تنها رسانه ای است که این چنین جانبدارانه از حقوق کارگران دفاع می کند. این رسانه منحصر بفرود است. چنین رسانه ای در تاریخ بی سابقه بوده است. تلویزیون انترناسیونال يك تنه در مقابل رسانه های بورژوازی و طبقات حاکم سینه سپر کرده است و از حق و عدالت، از آزادی و برابری، از کارگر و انسان تحت ستم دفاع می کند. بنابراین تخصیص این برنامه به اعتصاب کارگران نساجی سنندج و بمنظور جلب توجه و حمایت مردم نسبت به این اعتصاب يك کار طبیعی در تلویزیون انترناسیونال است. ما در ۱۶ آذر هم اقدامی مشابه کردیم و هر زمان دیگری هم که مردم شریف و کارگران دست به مبارزه و اعتصاب بزنند همین کار را خواهیم کرد.

بنظر من این برنامه بسیار موفقیت آمیز بود. ما موفق شدیم که امر کارگر را برای جامعه مطرح کنیم. ما موفق شدیم که توجه میلیون ها نفر را به موقعیت سخت و حقوق پایمال شده کارگران جلب کنیم. موفق شدیم که اعتصاب کارگران نساجی سنندج را به يك خبر مهم بدل کنیم. این رسانه ها هستند که خبر را می سازند. خبری که منعکس نمی شود عملا خبر نیست. اعتصابات کارگری، معمولا جایی

جامعه این پیام را میگیرد. کارگران اعتصابی این پیام را میگیرند و اعتصاب خود را جزئی از يك جنبش بزرگتر و مهمتر میبینند. بخش زیادی از مردم که ممکن است در شرایط عادی چنین اخباری را بشنوند و از کنارش رد شوند، با این برنامه مکث میکنند، دقیقتر گوش میدهند، حساس میشوند، در آن خود را سهیم میکنند، و به فکر حمایت برمیآیند. جبهه مخالف نیز پیام خود را میگیرد، میفهمد که باید احتیاط کند، میفهمد که سرکوب راحت نیست، که بقول دبیر اتحادیه پست کانادا، کارگران سراسر جهان و من اضافه میکنم کل مردم ایران از اعتصاب مطلع شده اند و عکس العمل نشان میدهند. بعلاوه چنین جایگاهی از اعتصاب در تلویزیون انتظار کارگران را از سایر رسانه ها بالا میبرد، نقدشان از موقیت شان را عمیق تر میکند، جایگاه خود را و اهمیت اعتصاب خود را بهتر میبینند و در مقابل سانسور و بیحقوقی و موقعیت اجتماعی پایین خود بیشتر معترض میشوند. این برنامه ارزشهای دیگری هم داشت. مقداری کمک مالی برای صندوق اعتصاب جمع شد، مردم آمدند پیام همبستگی دادند، احساساتشان را نشان دادند، شعر خواندند، و امروز مطلع شدم که جمعی از رفقای شاهو آهنگی زیبا به کارگران اعتصابی تقدیم کرده اند. اینها یعنی يك همبستگی عمیقا انسانی که حاصل این برنامه بود.

انترناسیونال: چه چیزهایی به مردم گفتید؟ و بیندگانی که روی خط آمدند از طریق این برنامه چه چیزهایی را با کارگران اعتصابی و مردم علاقمند به سرنوشت این مبارزه در میان گذاشتند؟

آذر ماجدی: ما درباره این اعتصاب و دلایل آن و خواست های کارگران صحبت کردیم. درباره نظام سرمایه داری و قانونمندی استثمار کارگران حرف زدیم، درباره نامانی محیط کار صحبت کردیم، درباره مبارزه کارگران، تشکل آنها، درباره مجمع عمومی و نقش مهم آن در مبارزات کارگری صحبت کردیم. از همبستگی و اتحاد صحبت کردیم. درباره جلب حمایت بین المللی کارگری از این اعتصاب سخن گفتیم. امری که حزب کمونیست کارگری به آن مشغول است. از صندوق کمک مالی به اعتصاب و

اهمیت آن گفتیم. اخبار مبارزه را که بدست مان می رسید منعکس کردیم. تعداد زیادی به برنامه تلفن زدند و حمایت گرم شان را از این اعتصاب اعلام کردند. اغلب کسانی که زنگ می زدند یا هم اکنون در خارج کشور کارگر هستند و یا پیش از این در ایران کارگر بودند. این دوستان از تجربیات خود گفتند، بطور مثال از تجربه اتحادیه صنعتگران در کردستان یا شورای کارخانه ایرانیست. از تلاش شان برای جلب حمایت طبقه کارگر کشور محیط زیست شان از این اعتصاب صحبت کردند. عده ای از این طریق به این اعتصاب کمک مالی کردند. اغلب کسانی که زنگ می زدند بسیار هیجان زده بودند و صدایشان از هیجان به لرزه افتاده بود. کسی از ایران زنگ زد و شعری در همین رابطه خواند. کسی از فرانسه زنگ زد و گفت حالا که راست پشت رفاندم رفته است چپ هم پشت اعتصاب کارگران می رود. من همین جا می خواهم از زحمات نسرين رضاعلی قدرانی کنم که مرتب به ما زنگ می زد و ما را در جریان دقیق اعتصاب و اخبار مربوطه می گذاشت، سوالات کارگران اعتصابی را که خود نمی توانستند به تلویزیون زنگ بزنند را با ما در میان می گذاشت، و قدرانی کارگران اعتصابی و خانواده هایشان را از تلویزیون انترناسیونال به ما اطلاع می داد. برای من این لحظه واقعا هیجان انگیز بود. احساس می کردم که تلاش مان پاسخ گرفته است. توانسته ایم يك حرکت بوجود آوریم، توانسته ایم کارگران اعتصابی را دلگرم کنیم که تنها نیستند.

انترناسیونال: مواردی از لحظات و اتفاقات هیجان انگیز این ۴ ساعت برنامه را با خوانندگان انترناسیونال لطفا سهیم شوید.

اصغر کریمی: دهها نفر از سراسر جهان روی خط آمدند تا همبستگی و احساس خود را با کارگران اعتصابی در میان بگذارند، خطاب به يك جامعه علیه نابرابری، استثمار و بیحقوقی آژیتاسیون کنند، به ریشه نابرابری ها حمله کنند و سوسیالیسم را بعنوان راه حل طبقه کارگر در مقابل جامعه قرار دهند. جامعه ای تشنه رفاه، تشنه برابری، تشنه يك زندگی انسانی، و منجر از

اینهمه شکاف طبقاتی و استثمار و بیحقوقی. اینها همه هیجان انگیز بود.

موقعی که نسرين رضاعلی، که فعالیت درخشانی در کمپین حزب داشت، مرتب روی خط میآمد تا آخرین خبرها را گزارش دهد از جمله لحظات مهیج برنامه بود. همه منتظر بودند تا صدای نسرين را بشنوند و از آخرین وضعیت مطلع شوند. بویژه موقعی که اطلاع داد جمعی از کارگران دارند برنامه را نگاه میکنند و از برنامه قدرانی میکنند یا پیام های مشابهی را از جمعیهائی از کارگران نساجی اعلام میکرد. همینطور صحبت های سعید مدانلو که تجربه ارزشمندی را با صدای گرمش برای کارگران توضیح داد نیز از جمله لحظات هیجان انگیز این برنامه بود. همین جا از رفیق عزیزم سعید مدانلو تقاضا میکنم این تجربه را برای کارگران بنویسد. بنظر من نظارت کارگران بر حساب و کتاب مالی شرکت که سعید مطرح کرد باید به خواست کارگران و یکی از انتظارات آنها تبدیل شود. باید اینرا مفصل نوشت و برای آن کار کرد تا بعنوان يك خواست در میان کارگران جای خود را پیدا کند.

انترناسیونال: نشریات و رادیو و تلویزیون حزب کمونیست کارگری صدای آزادیخواهی و برابری طلبی است. انعکاس صدای مبارزه کارگران يك بخش اصلی از کار رسانه های حزب است. ویژگی این برنامه ۴ ساعته در چیست؟

آذر ماجدی: این برنامه همانطور که در پاسخ به سوال اول گفتم بخشی از فعالیت روزمره ماست. ما در حزب کمونیست کارگری روزمره مشغول چنین فعالیتی هستیم. ویژگی این برنامه یکی در ویژگی خود رسانه تلویزیون است. دسترسی میلیونی به ما امکان می دهد که جامعه را به حرکت درآوریم. جامعه را متوجه يك موضوع کنیم و به انجام کاری فرابخوانیم. و اختصاص این مدت وقت صرفا به يك موضوع، يك مبارزه، يك اعتصاب جایگاه والای این مبارزه و اعتصاب را برای ما، برای حزب کمونیست کارگری روشن می کند و در عین حال این اعتصاب را به يك موضوع مهم و قابل توجه بدل می کند. و این امر بی سابقه است. مبارزات و

برنامه زنده تلویزیون انترناسیونال

از صفحه ۱

سد اختناق ...

است و این برنامه را تقدیم می کنیم به کارگران نساجی در سنندج.

منظما هم از کارگران و مردم می خواهد با استودیو تماس بگیرند. تمام درهای ساختمانی که استودیو ما بخشی از آن است باز است. من برخلاف برنامه های قبلی می توانم تا پشت دوربین ها پیشروی کنم و یادداشت به دستشان برسانم و ...

۲۰ دقیقه بدون وقفه آذر ماجدی برنامه اجرا کرده است. به رضا اطلاع می دهم که تصویر در ماهواره ثابت شده است. این مشکل هر از گاهی پیش می آید و اشکال در ضعف تکنولوژی ای است که ما بکار می گیریم. پخش برنامه زنده با امکانات موجود در استودیو مقداری مشکل است. راه رفع این مشکل هم تنها در پولدار شدن است. اما با همین سطح از امکانات نیز برنامه انترناسیونال دارد مستقیما در خانه میلیونها نفر دیده و شنیده می شود. رضا با یک کلک تکنیکی که خودش تازگی راهش را پیدا کرده تصویر را بهبود می بخشد و از این کار می بینم که یک غرور لذت بخش بر چهره اش نقش بسته است. وقتی می گویم تصویر بهتر شده است از کاری کرده حال می کند.

اصغر کریمی در بیست و یکمین دقیقه به آذر ماجدی می پیوندد. سوال: اصغر کریمی در مورد این اعتصاب کارگران نساجی برایمان بگویند. بگویند... چیزی بیشتر از این از سؤال آذر را به یاد ندارم اما هنوز جواب اصغر کریمی در مغزم طنین دلنشینی دارد. جوابی که طی این بیست و پنج سال فعالیت سیاسی هرگز به آن فکر نکرده بود. او اینطور شروع کرد که می خواهم از جنبه بد اعتصاب حرف بزنم.

جنبه بد؟ مگر اعتصاب جنبه بد هم دارد؟ مگر نه اینکه وقتی اعتصاب می شود آدم به یاد قدرت کارگران و مقابله کارگران با کارفرمایان و دولت می افتد؟ این اقدام که همه چیزش مثبت است. اما اصغر کریمی می گوید: "اعتصاب یک جنگ است. طی اعتصاب به همان زندگی فقیرانه کارگران تعرض می شود. کارگران تهدید می شوند، دستگیر می شوند، با خطر اخراج روبرو می شوند. اما فورا اعلام می کند در آن سوی این جنبه بد

طی میکند از نظر فنی مثل برق و باد تمام کارها را آماده کرده و اعلام می کند: "... ده ثانیه، سکوت" و این ده ثانیه و سکوت را هر روز در برنامه های مختلف با صدایی بلند تکرار می کند. خودش چون هدفون روی گوشهایش است فکر می کند دیگران نمی شنوند.

و اما استارت برنامه ها از آذر ماجدی. می گوید: این اعتصاب نمونه است. با حمایت مردم، بخصوص حمایت کارگران روبرو شده، تجربه این اعتصاب را باید ارزیابی کرد و از آن آموخت. می گوید در این برنامه ما راجع به جنبش کارگری و آلترناتیو کارگری حرف می زنیم، راجع به یک قانون کار مترقی، راجع به فقر و رفاه و راجع به حزب کمونیست کارگری و راجع به سوسیالیسم و آزادی و برابری حرف می زنیم. از مردم می خواهد به استودیو زنگ بزنند و من هم مسئول وصل کردن تماسها به استودیو هستم. در این روز بهرام سروش نیز به کمک ما می آید تا در صورت نیاز باری از دوش ما بردارد. صد البته علی جوادی هم دست از سر ما بر نمی دارد. هر دو ثانیه یک بار زنگ می زند و از پیشرفت کار جویا می شود. می گویم علی جان همین دو دقیقه پیش که گفتم همه چیز خوب پیش می رود، آذر در استودیو است و دارد برنامه را اجرا می کند و کیفیت تصویر هم خوب است. اصغر هم همین حالا وارد استودیو شده. رضا مرادی هم چهار چشمی حواسش به کارها است. در حین ضبط برنامه رضا مرادی دارد روی یاهو مسنجر با یکی چت می کند.

تعجبم از این است که آذر ماجدی چطور این همه کلمات را ردیف می کند و آنها را به این اعتصابی که در نساجی سنندج در جریان است وصل می کند. می گوید: در یک برنامه تلویزیونی در آمریکا شرکت کردم و از کارهای خودمان در دفاع از حقوق زنان گفتم. مجری برنامه گفت خوب است این کار را ادامه بدهید کاری به کارگران نداشته باشید. آذر می گوید: ما به همه جامعه کار داریم. به ستم در همه جامعه کار داریم. ما سر و کارمان با رهایی انسان از استثمار

گذارند. حزب کمونیست کارگری تصمیم می گیرد بمناسبت این اعتصاب برنامه ای ویژه و زنده تهیه کند تا مستقیما بتواند هر چه بیشتر کمک کند تا این اعتصاب پیروز شود.

ساعت ۳ بعد از ظهر به وقت لندن است و اصغر کریمی وارد استودیو شده است. طبق معمول سرزنده و شاد است و می گوید و میخندد. در ضمن جزوه ای را که همین چند روز قبل با نام "اعتصاب مدرسه انقلاب" نوشته است را روی میز می گذارد. در یک نگاه گذرا من چند اشتباه تایپی از این جزو بیرون می کشم و از این بابت ابراز شادمانی می کنم. چون اصغر تنها کسی است که "مواز ماست" نوشته های دیگران بیرون می کشد و هیچ اشتباه تایپی و غلط املائی و بی دقتی سیاسی از چشمش دور نمی ماند. من و رضا مرادی و اصغر منتظر آذر ماجدی هستیم. آذر دیر کرده است. چرا؟ دخترش مریض احوال بود و باید به دخترش میرسید. واقعا باور کردنی نیست آذر چطور می تواند از پس همه این کارها بر بیاید. ضمنا پیغام داده است که اصغر به موبایلش زنگ بزند تا حین رانندگی با هم تبادل نظر کنند. تعجب می کنم. آذر قرار است برای اجرای این برنامه زنده و ۴ ساعته فقط برای چند دقیقه در ماشین ضمن رانندگی با اصغر تبادل نظر کند؟ اگر سابقه آذر را در اجرای برنامه ها نمی دانستم شک نمی کردم که برنامه امروز خراب خواهد شد. بالاخره یک ربع مانده به ۴ آذر ماجدی طبق معمول تند و تیز وارد استودیو شد. در چهره اش هیچ نشانی از خستگی و سراسیمگی و ... دیده نمی شود. لباسها را روی میز می ریزد و شروع به آرایش می کند. دو دقیقه هم بیشتر آرایش کردنش طول نمی کشد.

دوربینها و لامپهای قوی روشن می شوند. ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت لندن و ۶ و نیم به وقت ایران است.

رضا مرادی این شاه کلید فنی در استودیو طبق معمول با آن دمپایی های گشادش که عموما یک لنگه اش را هم از پا در می آورد و به همین شیوه طول و عرض سالن را

اهمیت داد. اعتصاب شما، به این معنی پیام بزرگی برای کل طبقه کارگر دارد. اگر اعتصاب در یک کارخانه نه چندان بزرگ میتواند چنین تاثیری بجا بگذارد و بیش از دوهفته کارفرما و کل دولت و اداراتش را به سردرگمی بیندازد اعتصابات همزمان و نقشه مند چند کارخانه بزرگ صنعتی چه زلزله سیاسی که ایجاد نمیکند. میتواند اوضاع جامعه را به تمامی به نفع کارگر و مردم فقیر و زحمتکش عوض کند. شما در جریان این اعتصاب الگوهای برجسته از یک مبارزه موثر را جلو جامعه و طبقه کارگر گذاشتید. با اینهمه نیروی شما بسیار بیش از آن نیروی است که در عمل به حرکت درآمد. هنوز همسران شما نیروی خود را به میدان نیاورده اند، هنوز خانواده های شما به میدان نیامده اند، و اینها میتوانستند و میتوانند کل شهر را به غلیبان درآورند. نیرویتان را دریابید، جایگاه خود را برای تداوم مبارزه تان در نظر بگیرید. خود را سازمان دهید، نیروی اجتماعی تان را سازمان دهید. اعتصاب شما توجه و همبستگی وسیعی را بخود جلب کرده است. اینجا بیشتر روی صحبت با رهبران و فعالین این اعتصاب است با کارگران کمونیست و سوسیالیست است که میتوانند نیروی عظیم خود را بسرعت سازمان دهند تا در دور بعدی با قدرتی بمراتب بزرگتر و سازمان یافته تر، نقشه مندتر، مجهز تر با انواع کمیته های حمایت از میان همسران و خانواده ها، از میان دانشجویان و سایر بخشهای کارگران، از میان مردم مبارز و شریف شهر سنندج به هم جوش بخورند و همراه با شما شهر را تکان دهند تا جبهه مقابل را به هم بریزند و به وحشت اندازند. اینکار شدنی است و ما با تمام قوا در کنار شما هستیم. *

اعتصابات کارگری حتی اعتصابات وسیع و مهمی چون اعتصاب معدنچیان انگلستان نیز از چنین جایگاهی در جامعه و رسانه ها برخوردار نبوده اند. این خاصیت یک تلویزیون کمونیستی است. این دستاورد جنبش کمونیسم کارگری و جنبشی است که منصور حکمت بحرکت درآورده است.

اصغر کریمی: فکر کنم این را در پاسخ به سوال قبلی توضیح داده باشم.

انترناسیونال: پیامتان به کارگران اعتصابی سنندج چیست؟ آذر ماجدی: همانگونه که در برنامه تلویزیونی نیز گفتیم، حزب کمونیست کارگری و تلویزیون انترناسیونال از اعتصاب این عزیزان حمایت می کند و قاطعانه در جلب حمایت گسترده برای آن خواهد کوشید. این اعتصاب و مبارزه هم طبقه ای های ماست و پیروزی آن برای ما اهمیت بسیاری دارد. من در اینجا می خواهم به خانواده های کارگران اعتصابی، به همسران این کارگران فراخوان دهم که در جهت جلب حمایت اجتماعی از این اعتصاب فعالانه تر بکوشند. مردم را خطاب قرار دهند و آنها را به حمایت از اعتصاب ترغیب و دعوت کنند. نقش خانواده ها بسیار مهم و تعیین کننده است. حضور علنی خانواده ها در جامعه امری مهم و موثر است. ضمنا ارتباط خود را با ما مستحکم تر کنند. اخبار را همچنان در اختیار ما بگذارند. با آزوی موفقیت و پیروزی نه تنها این اعتصاب، بلکه انقلاب کارگری و برقراری جمهوری سوسیالیستی.

اصغر کریمی: اعتصاب شما یک شهر را تکان داد و بر فضای جامعه بویژه بر مراکز کارگری تاثیر گذاشت. کارخانه نساجی کارخانه بزرگی نیست اما اراده کارگران و عزم راسخ آنها بود که به این اعتصاب قدرت و

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

شود به روشنی دید که جامعه چپ خود را پیدا کرده و وسیعا دارد انتخابش می کند.

و بالاخره این حمید تقوایی است که روی خط تلفن قرار گرفته و با کارگران حرف می زند. سخنان حمید تقوایی رعد آسا آتش به جان دشمنان کارگران می زند. می گوید: برای حزب ما و برای جنبش کارگری این آغاز جدیدی است. این اعتصاب نشان میدهد که در دنیای وارنه ای زندگی می کنیم. کسانی که تولید جامعه با آنها است باید برای بدست آوردن کمترین سهمی اینچنین دست به مبارزه بزنند. می گوید ستوایی که در برابر جامعه قرار دارد این است که کدام طبقه می خواهد و می تواند یک جامعه برابر و انسانی بوجود بیاورد. جواب، طبقه کارگر و حزب طبقه کارگر است. می گوید جامعه آزادی و برابری می خواهد باید با سوسیالیسم به میدان بیاید و اولین گامهایش را برداشته است. کارگران باید اهمیت این مبارزه را بدانند و زیر پرچم حزب جمع شوند.

۸ شب است و چهار ساعت بدون کمترین وقفه برنامه ها پخش شده است. همه راضی و خوشحال اند. به خودمان می گوئیم این هم از مبارزه امروز. حالا می رویم غذایی می خوریم و به زندگی شخصی خود می رسیم. اما آذر ماجدی مجال نداد: آماده اید برنامه آزادی زن را ببینید؟ پشت سرش رضا مرادی گفت: پس برنامه سازمان جوانان چی می شود؟ من هم دادم بلند می شود. من امروز نتوانستم برنامه بیوگرافی و برنامه همبستگی را ببندم. اگر آذر می خواهد برنامه آزادی زن را ببیند پس تکلیف ما چیست؟ اما همه خوب می دانند که ما تمام تلاشمان را بکار می گیریم تا آذر بتواند کارهایش را انجام بدهد. و اکنون ساعت ۱۲ شب است و برنامه جوانان کمونیست و آزادی زن بسته شده است. من هم باید فردا صبح زود برنامه همبستگی را ببندم. رضا پیشنهاد می کند برویم بیرون شام بخوریم. در خیابان هستیم اما جایی برای شام خوردن باز نیست. فردا مجددا در استودیو جمع می شویم. کی برنامه ها برای همیشه زنده پخش می شود؟ باید از علی جوادی پرسید. *

یکی دو هفته کلنجار رفتن با ما می بینیم همان کارهای عجیب به پدیده ای عادی در سازمان تلویزیون تبدیل شده است.

از این لحظه دیگر تلویزیون در تسخیر بینندگان است. نسرین رمضانعلی این رفیق همیشه خندان و همیشه پر کار مدام با سندنجد در تماس است و خبر می گیرد. خانواده های اعتصابی می گویند ما همین حالا داریم برنامه را می بینیم. این اوج شادی ما است. کمونیستها دارند مستقیم با کارگران اعتصابی در کشوری که رژیم موجود با کشتار بیش از ۱۵۰ هزار نفر سرپا مانده حرف می زنند. این مایه احساس غرور و سربندی است. در حالی که همه سیستم و نظام موجود از رادیو و تلویزیون تا مطبوعات رسمی دارد به نفع کارفرما و دولت سرمایه کار می کند، کارگران می بینند که حزبشان در یک مقیاس میلیونی جامعه را به دفاع از این اعتصاب کارگری به میدان مبارزه دعوت می کند.

اما با وجود اینکه همه شواهد نشان میدهد چه تعداد زیادی پای برنامه نشسته اند اما باز هم مشکلی وجود دارد که می دانم به زودی علی جوادی یقه ما را برای رفع آن خواهد گرفت. در جریان تماسها مطلع شدم که تعداد زیادی که تماس گرفتند نتوانستند با استودیو تماس برقرار کنند. خط ها اشغال بود. باید بگویم که ما فقط دو خط ارتباط داریم. رفقای از سندنجد مصرانه خواهان تماس بودند اما ممکن نشد. فقط یادم هست آخرین دوستی که از اهواز زنگ زد یک زن بود. فقط ۵ دقیقه به پایان برنامه مانده بود من فکر کردم یکی از همکاران تلویزیون است. گفت می خواهم روی خط بروم گفتم دیگر وقت نیست پونه جان، حالا تو چرا می خواهی روی خط بروی. گفت آخر آقا من خیلی تلاش کردم که با شما تماس بگیرم. تماس از ایران سخت است. گفت از اهواز تماس میگیرم. و پیامش آنچنان شیوا و مهربانانه و انسانی بود که همچنان در ذهنم طنین انداز است. او همه کارگران کارخانه ها را مورد خطاب قرار داد که از اعتصاب کارگران نساجی حمایت کنند. با این تماسها می

تهدید می کند که آخر بابا جان این حزب کمونیست کارگری دارد همه دنیا را خبر می کند و برای شما حمایت جمع می کند، باز هم می گویند این اعتصاب زیر سر آن حزب نیست؟ جواب این دولت اینست که هر جا که حتی از جامعه ضایع شود این حزب هم حضور دارد. مگر حاجیه و دیگر زنانی که قرار بود سنگسار شوند از اعضا یا فعالین حزب اند؟ این کار همیشگی این حزب است. حالا بی یا ارتباط با این حزب ما حقمان را می خواهیم! اما تلفنهای مجال بیشتری به آذر و اصغر نمی دهند. مصطفی صابر معلوم نیست از کجا سر در آورد. پیام داد و ۱۶ آذر سرخ و جنبش دانشجویی را به اعتصاب کارگران نساجی دوخت و رفت. علی جوادی زنگ می زند. میدانم حتی هدف بلاواسطه اش پیام دادن و اینجور حرفها نیست. می خواهد از همه کارهای استودیو مطلع باشد. می گوید: "سلام خانم ماجدی" آذر ماجدی می گوید: "سلام آقای علی جوادی". در این "آقای علی جوادی" یک شیطنتی بود که باید از نزدیک آذر را شناخت تا متوجه اش شد. این علی و آذر که بیش از همه با هم رفیق و صمیمی اند چه آقا و خانمی که به هم تحویل نمی دهند. علی جوادی از بکارگیری "همه توانمان" در حمایت از این اعتصاب صحبت میکند. می گوید ما تاریخچه موفقی در زمینه دفاع از اعتصابات کارگری داریم. می گوید ما بزرگترین سازمانده یک کمپین در دفاع از کارگران نفت بودیم. تاکید میکند که حتما در این زمینه حرف بزنیم. آذر ماجدی هم بخواهی نخواهی تو ذوقش زد و گفت ما نه تنها در این زمینه حرف زدیم بلکه کتاب "فقط کارگران می توانند" را هم نشان بینندگان دادیم. کمپین بسیار عظیمی که همه اتحادیه های بزرگ و حتی کوچک کارگری در دنیا از آن حمایت کردند و مبتکر آن هم اصغر کریمی بود.

دلم خنک شد و گفتم که یکی هست که جلوی این همه "دستور العمل های رئیس ما" قد علم کند. علی جوادی می خواهد از هیچ همه چیز بسازد. ولی خودمانیم بار اول که چیزی مطرح می کند از فرط عجب بودنش آدم می ماند که سرش را به کجا بکوبد اما بعد از

حمایت می کنیم. آفرین به این کارگران. ما حمایت اتحادیه های کارگری در آمریکا را می گیریم.

همین اولین تلفن حال و هوایی دیگر به استودیو آورد. اصغر کریمی دارد می گوید این اعتصاب باید پیروز شود. دولت می تواند بگوید دیدید با ۱۳ روز اعتصاب عقب نشستند. اگر این اعتصاب پیروز شود طبقه کارگر ایران یک گام بیشتر به جلو برداشته است. او از حمایت دانشجویان و دیگر کارگران صحبت میکند، می گوید تو ما جمع کنید، پول جمع کنید، تجمع اعتراضی ... حرفها بسته و گریخته در ذهنم می نشینند. علیرغم مرضی، سرحال هستم. چه دنیا مانده است که چطور می شود با جامعه ارتباط برقرار کرد. چه کشورهای مختنق که اصلا به صرافت این کار نمی افتد. یاد هست روزی از طرف کانال جدید با یکی از این سازمانهای چپ ایرانی تماس گرفتم که اگر دوست داشته باشند ما به آنها برنامه می دهیم. گفتم می خواهیم صدای همه چهپا شنیده شود. طرف مقابل ناباورانه به حرفهای من گوش میداد. می گفت ما که دوربین نداریم. ما که بلد نیستیم فیلم برداری کنیم. ما که پول نداریم. گفتم ما کم می کنیم تا از نظر فنی بر مشکلات فائق آیید. اما اشکال از اینها نبود. این نوع چپ حتی اگر برنامه مجانی هم داشته باشد، کارهای فنی اش را دیگران انجام بدهند باز هم نمی تواند وارد این میدان شود. این کاره نیست. تلویزیون کانال جدید فقط یک امکان تکنولوژیک نیست، یک سیاست کمونیستی است که منصور حکمت پیش پای ما گذاشت. کوبیدن پرچم کمونیسم در وسط میدان شهر است. تا این لحظات دوران خوش اصغر کریمی بود. می خواست هر چه که در دل دارد خطاب به کارگران و مردم بگوید. می خواست به جمهوری اسلامی بگوید با بد پدیده ای روبرو است و نشان بدهد سد اختناق را می شود به این شیوه شکست. می خواست بگوید ما مستقیم به خانه مردم و خصوصا کارگران اعتصابی راه پیدا می کنیم. به آنها رهنمود لحظه به لحظه می دهیم. می گوئیم چطور پیشروی کنید، چطور مانور بدهید و ... جمهوری اسلامی هم کارگران را

اعتصاب، کارگران نساجی به نور امیدی تبدیل شده اند و این اعتصابات یکی از مهمترین اعتصابات است. کارگران در این حرکت خلاقیت های زیادی از خود نشان دادند. به مجمع عمومی کارگری تکیه کردند. رهبران عملی، تمام قد در مقابل دولت و کارفرما قرار گرفتند و در این میان حمایت همه کارگران را دارند.

نیم ساعت از برنامه مشترک آذر و اصغر گذشته است، کسی زنگ نمی زند. چرا اینطور است؟ قاعدتا باید تا همین جا تعداد زیادی تماس گرفته باشند. آیا کسی رغبتی به پخش این برنامه نشان نمی دهد؟ آیا در ایران کسی پای این برنامه ننشسته است؟ شاید مردم فقط عاشق پخش فیلم سینمایی و موزیک و کارتون هستند! البته در ۱۶ آذر امسال ما دیدیم که اینطور نیست و قبل تر از آن تعداد نامه هایی که روزانه دریافت می شود نشان می دهد تلویزیون کانال جدید خیلی محبوب است. شاید برنامه کارگری دوست نداشتند؟ اینها یک تحلیل و ارزیابی نیست. گاهی برای زمانی کمتر از یک هزارم ثانیه در ذهن می آید و می رود. در حین کار آدم نمی تواند دست به تجزیه و تحلیل بزند. اما یک اشکالی باید باشد که هیچ کس تماس نگرفته است. یکی از فعالین حزب در کانادا زنگ می زند و می گوید شماره تلفنی که در روزنه درج شده اشتباه است. وقتی این رفیق به شماره مندرج در روزنه زنگ زد یک شهروند بخت برگشته انگلیسی گفت تا حالا ۱۵ نفر به خانه من زنگ زدند و من ماندم که چه بلایی دارد سرم می آید. سریع با حسن پناهی تماس گرفتم و اطلاع دادم که شماره تلفن استودیو اشتباه است و فوراً این اشتباه رفع شد. اولین تلفن:

- الو تلویزیون انترناسیونال؟
- بفرمایید. بله اینجا تلویزیون انترناسیونال است. از کجا تماس می گیرید؟
- من از آمریکا زنگ می زنم. می خواهم با خانم آذر ماجدی حرف بزنم.
به استودیو وصل می شود. او می گوید من در جنبش زنان فعال هستم، ما از اعتصاب کارگران

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزبتان را محکم در آغوش بگیرید! پیام اصغر کریمی به کارگران نساجی در سندج

رفقای کارگر

پیروزی اعتصاباتتان را به شما، به همسران و خانواده هایتان، به مردم شریف و مبارز سندج و به همه کارگران تبریک میگویم و به شما بخاطر پایداری تان در این اعتصاب درود میفرستم. در طول اعتصاب بارها تهدیدتان کردند و تلاش کردند بین شما شکاف بیاندازند که شکست تان بدهند تا به هر کارگر و هر آدم معترضی بگویند که زورتان به ما نمیرسد و همین است که هست. شما اما مقاومتشان را در هم شکستید و الگویی در مقابل کل طبقه کارگر و مردم قرار دادید.

قبل از هر چیز آرزو می‌کردم پیش شما میبودم و در شادی تان شرکت می‌کردم. در محافل شما و بحث هایتان حضور داشتم و نظر هرکدام از شما را راجع به این ۱۶ روز می شنیدم. در یک جنگ نابرابر پیروز شدید. دوست داشتم از شما می‌شنیدم که در مورد نقاط قوت اعتصاب که منجر به این پیروزی شد و در مورد نقاط ضعف آن چه فکر می‌کنید؟ اینها و دهها سوال دیگر در ذهن هرکدام از ما وجود دارد که لازم است پاسخ آنها را بدانیم. از دهها رفیق کارگری که برای اعتصاب و پیشروی آن چاره جویی می‌کردند و به اشکال مختلف آنرا به جلو می‌راندند، خواهش می‌کنم در مورد این اعتصاب بنویسید. اجازه دهید تا کارگران سایر مراکز در سراسر کشور از تجربه شما و ابتکارات شما مطلع شوند.

من شخصا از این اعتصاب چیزهای زیادی آموختم که برای رفقای کارگرم مفصلا خواهم نوشت. اینجا اجازه دهید نظرم را در مورد بعضی نکات کلیدی این اعتصاب با شما در میان بگذارم.

- آنها قدرقدرت نیستند. این کارگران هستند که باید بیشتر از گذشته به نیروی خود ایمان بیاورند.
- جامعه با شما است. نه تنها همسران و خانواده هایتان و کارگران و اقشار فقیر و محروم جامعه بلکه بخش اعظم جامعه خود را در کنار شما میداند. موج پیامهای همبستگی از داخل و خارج تازه داشت شروع میشد.

- شما به مجمع عمومی تان تکیه کردید. نگذاشتید در اطاقهای در بسته در مورد اعتصابات تصمیم گیری شود. مرتباً جمع شدید، توطئه

حزب ظرف مبارزه هر انسانی است که راهی بسوی جلو رفتن و پیروز شدن دنبال میکند. به جریانانات ملی اسلامی و دلمشغولی های آنها نگاه کنید، به ناسیونالیسم عقب مانده کرد و بی ربط به دنیای امروز نگاه کنید، به رفتارند چپهای دوخردادی و غیر دوخردادی نگاه کنید، دنیای آنها ربطی به ما ندارد، به مبارزه ما کاری ندارند، به هیچ مبارزه حق طلبانه ای ربطی ندارند، بلکه از آن وحشت دارند. پیروزی ما در این مبارزه علاوه بر کسب مطالبات بلافضل مان و عقب راندن کارفرما و حکومت کارفرماها یک پیروزی سیاسی قابل توجه در مقابل همه این نیروهای دست راستی هم بود. یک پیروزی برای چپ جامعه و سوسیالیسم کارگری در مقابل جمهوری اسلامی و کل احزاب این طبقه بود. پیروزی بر افق های راست و شیوه های مبارزه ای بود که احزاب دست راستی در مقابل جامعه گذاشته اند و چیزی جز سنت شکست خوردن و بی آبرو شدن ندارند. حتی یک تجربه موفق برای به پیروزی رساندن یک مبارزه حق طلبانه مردم ندارند. این اعتصاب افق انقلاب کارگری را روشنتر در برابر جامعه قرار داد و قدرت طبقه کارگر و حزب سیاسی اش را به همگان نشان داد. نشان داد که این نیرو از هر نیروی آماده تر و برای هدایت اعتراضات مردم از همه شایسته تر است.

حزب کمونیست کارگری ظرف هر کارگر حق طلب و هر انسان سوسیالیستی است. این حزب به قول منصور حکمت هویت سیاسی خود را با پافشاری بر تعلق کارگری کمونیسم تعریف کرده است و در طول سالها بر مبنای این اعتقادات خشت به خشت ساخته شده است. شما به این حزب نیاز دارید. و حزب هم به شما نیاز دارد تا بعنوان قدرتمندترین حزب سیاسی و بعنوان قدرتمندترین سخنگوی شما در صحنه سیاسی جامعه حاضر باشد و از منفعت کارگر و از آزادیخواهی در مقابل طبقات دیگر دفاع کند.

بار دیگر موفقیت اعتصاباتتان را به همه شما رفقای عزیز و همه دوستانی که در سندج و سایر شهرها از شما حمایت کردند صمیمانه تبریک میگویم.

اصغر کریمی

۶ ژانویه ۲۰۰۵، ۱۷ دیماه ۱۳۸۳

موفقیت شما، در جنبش کارگری ایران یک گام بلند به پیش است!

پیام محمد آسنگران به کارگران نساجی در سندج

رفقای کارگر

کوشیدیم که در کنار شما و در لحظه به لحظه فعالیتها و مشکلات و اقدامات با شما باشیم. ما صدای این اعتراض را به گوش کارگران جهان رساندیم، ما از اتحادیه های بزرگی جلب حمایت و پشتیبانی کردیم و با استفاده از امکانات ارتباطی همچون رادیو و تلویزیون کوشیدیم خبر این اعتصاب را به گوش میلیونها نفر برسانیم. برنامه تلویزیونی مستقیم ما در کانال جدید کمک کرد که سمپاتی بسیاری به این حرکت و فعالین آن جلب شود.

از همه این تجارب استفاده خواهیم کرد و کاری خواهیم کرد که حکومت اسلامی سرمایه را به عقب نشینی های جدیتری وادار کنیم. کارگران به میدان آمده اند و با این پیروزی، زمینه را برای تعرضات بیشتر فراهم کرده اند. یکبار دیگر به همه شما عزیزان این پیروزی مهم را تبریک میگویم. دست همه شما را به گرمی می فشارم.

محمد آسنگران
دبیر کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۶ ژانویه ۲۰۰۵

پیروزی شما الگویی برای پیشروی طبقه کارگر است!

پیام علی جوادی به کارگران نساجی سندج

پیروزی کارگران نساجی سندج را به طبقه کارگر و تمام مردم آزادیخواه تبریک میگویم
کارگران مبارز نساجی سندج
پیروزی شما را در مبارزه اخیرتان تبریک میگویم. پیروزی شما پیروزی کل طبقه کارگر است. پیروزی شما دستاوردی برای کل طبقه کارگر در مبارزه برای آزادی و برابری و رفاه جامعه است. پیروزی شما پیروزی مردم آزادیخواه است. دستاوردهای شما در این مبارزه راه مبارزه مردم بطور کلی و کل طبقه کارگر را بطور اخص برای پیشروی های آتی هموار میکند.

رفقای کارگر

شما پیروز شدید چرا که اتحاد و همبستگی کارگری را در مبارزه تان تامین کردید. شما پیروز شدید چرا که بر مجمع عمومی کارگری تکیه کردید. شما پیروز شدید چرا که اجازه ندادید که سرمایه و کارفرمایان میان شما شکافی ایجاد کنند. شما پیروز شدید چرا که قادر شدید مبارزه خود را از سطح محلی به

زننده یاد کارگران مبارز نساجی سندج!
آزادی کارگر پیش شرط آزادی جامعه است!
علی جوادی
۶ ژانویه ۲۰۰۵

در جریان اعتصاب کارگران نساجی، کارگران در ایران و سایر نقاط جهان از این مبارزه جانانه حمایت کردند. از جمله ۵۱ اتحادیه کارگری در آمریکا، اتحادیه کارگران نفت نروژ، اتحادیه کارکنان بیمارستانهای بریتیش کلمبیا (کانادا)، اتحادیه کارگران ساختمانی فنلاند و سازمان جوانان سوسیالیست آلمان شاخه برمن. نسخه هایی از نامه های همبستگی از کارگران اعتصابی و همچنین نامه های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی به دفتر حزب کمونیست کارگری ارسال شده است. در پایین نمونه هایی از این نامه ها را میخوانید. انترناسیونال

سوسیالیسم پاخیز، برای رفع تبعیض!

اطلاعیه شماره ۱۷

اطلاعیه زیر در حمایت از کارگران اعتصابی نساجی به ما رسیده است که عینا منتشر میشود.

حزب کمونیست کارگری، ۴ ژانویه ۲۰۰۵

حمایت از کارگران اعتصابی سنندج گروههایی از کارگران تهران، کرج و ساوه

کارگران نساجی سنندج ثابت کردند که سرمایه داران و صاحبان کارخانه ها خونخوارهایی هستند که هرگز رحم و مروت سرشان نمی شود و هیچوقت با زبان خوش و تو بمیری و خواهش و تمنا هیچگونه امتیازی را نخواهند داد و ثابت کردند که فقط با مبارزه طبقاتی میتوان حقوق خود را از صاحبان سرمایه گرفت. با اتحاد و همبستگی هر نشدنی شدنی خواهد شد. ثابت کردند که قدرتی فراتر از

آنچه که سرمایه فکر میکند در اتحاد و یکپارچگی دارند و یک کارخانه بسیار کوچک چگونه بنیادهای سرمایه داری را به لرزه درآورده و دولت سرمایه چگونه همه جانبه خود را برای سرکوب آماده کرده.

ما کارگران شرکت های تولید صنعتی زیر بدینوسله پشتیبانی خود را از مبارزه برحق کارگران و همسنگران خود در نساجی سنندج اعلام میداریم:

۱- شرکت ایراج واقع در قلعه حسن خان تهران

۲- شرکت آتی موتور در کمال شهر کرج
۳- شرکت پیوند واقع در رباط کریم جاده ساوه
۴- شرکت شیشه مینا در جاده مخصوص کرج
۵- شرکت ایران پویا (بیخچال سازی) جاده قدیم کرج

**مرگ بر سرمایه دار
مرگ بر رژیم ارتجاعی
سوسیالیسم پاخیز
برای رفع تبعیض
درد بر مبارزین سنگر تولید**

برنامه زنده تلویزیون انترناسیونال

به مناسبت پیروزی کارگران نساجی سنندج

تلویزیون انترناسیونال جمعه ۱۸ دیماه (۷ ژانویه) به مناسبت پیروزی کارگران نساجی سنندج ۳ ساعت برنامه زنده، از ساعت شش تا نه شب بوقت تهران (سه و نیم تا شش و نیم بوقت اروپای مرکزی) پخش خواهد کرد. در این برنامه اصغر کریمی رئیس هیات دبیران حزب کمونیست کارگری در مورد این پیروزی طبقه کارگر و دستاوردهای آن صحبت کرده و به سئوالات بینندگان پاسخ خواهد داد.

تلویزیون انترناسیونال تلویزیون شما مردم آزادیخواه و برابری طلب است. از همه شما علاقمندان دعوت میکنم که در این پیروزی طبقه کارگر سهیم شوید. با تلویزیون انترناسیونال تماس بگیرید. پیامتان را به کارگران نساجی سنندج و کل طبقه کارگر از طریق تلویزیون ارسال کنید.

تلفن تماس مستقیم با تلویزیون انترناسیونال ۶۸۴۶۳۱۲۶۲۰۷۴۴+

علی جوادی

مدیر تلویزیون انترناسیونال

۶ ژانویه ۲۰۰۵

اعتصاب مدرسه انقلاب

به بهانه یک اعتصاب

تقدیم به کارگران نساجی سنندج

نوشته ای به قلم اصغر کریمی

بزودی به صورت ضمیمه انترناسیونال

منتشر خواهد شد

نامه اعتراضی اتحادیه پست کانادا به خاتمی

اطلاعیه شماره ۲۲

اتحادیه کارگران پست کانادا در نامه به خاتمی:

بدانید که کارگران سراسر جهان از مبارزه کارگران نساجی اطلاع دارند. سیاست های ضدکارگری حکومت شما و تهدید کارگران در سنندج و سراسر ایران باید پایان یابد.

بدنبال تماس داوود آرام کادر حزب کمونیست کارگری ایران با اتحادیه پست کانادا، رئیس این اتحادیه، خانم دیورا بورك، طی نامه ای به خاتمی نوشت:

"از طرف ۵۰ هزار عضو اتحادیه کارگران پست کانادا، حمایت بی قید و شرط خود را از کارگران نساجی در سنندج، که مجبور به اعتصاب برای بار سوم در ماههای قبل شده اند، و خشم خود را نسبت به اعمال حکومت شما در تلاش برای شکستن این اعتصاب اعلام میدارم.

زمانیکه کارگران نساجی در روز ۱۰ آبانماه دست به تحصن زدند که اعتراضشان را به نقشه مدیریت برای اخراج کارگران بیان کنند، حکومت شما با نیروهای امنیتی اش کارگران

را به محاصره درآورد. علیرغم این تعرض به حقوق کارگران برای برپائی تجمع، اعتصاب و قرارداد دسته جمعی، مذاکرات انجام شد و به توافقاتی رسید. اما همینکه اعتصاب تمام شد، مدیریت زیر قول خود زد. اکنون، کارگران مجبور به اعتصاب مجدد شده اند و مورد تهدید قرار گرفته اند. آقای رئیس جمهور، برای رژیم شما مهم است بدانید که کارگران سراسر جهان از این مبارزه اطلاع دارند. سیاست های ضدکارگری حکومت شما و تهدید آشکار کارگران در سنندج و همه جای ایران باید متوقف شود. اتحادیه کارگران پست کانادا همراه با صداهای زیاد دیگر از حکومت اسلامی میخواهد که رسماً حقوق کارگران ایران را برای تشکیل، قرارداد دسته جمعی و اعتصاب پیوندد. چیزی کمتر از این قابل قبول نیست.

کپی این نامه برای کنگره کار کانادا و نمایندگان اتحادیه های کارگری در کانادا ارسال شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ دیماه ۱۳۸۳، ۶ ژانویه ۲۰۰۵

"زندگی زندگی است"

کارگران شاهو در سنندج آهنگی به

کارگران نساجی کردستان تقدیم کردند

اطلاعیه شماره ۲۵

حزب کمونیست کارگری این اقدام زیبایی کارگران شاهو را عمیقاً ارج مینهد و آنرا نشانه ای از بلوغ سیاسی و فرهنگ بالای کارگران بویژه نسل جدید کارگران میدانند. دست رفقای کارگر در کارخانه شاهو را به گرمی میفشاریم.

زنده باد اتحاد و همبستگی
طبقاتی کارگران

زنده باد رفقای کارگر در کارخانه
های نساجی شاهو و کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ دیماه ۱۳۸۳، ۶ ژانویه ۲۰۰۵

به نشانه همبستگی طبقاتی و حمایت از اعتصاب کارگران نساجی کردستان در سنندج، جمعی از کارگران شاهو این شهر آهنگ زیبایی "زندگی زندگی است" را به کارگران اعتصابی تقدیم کردند. این آهنگ روز دوشنبه این هفته همزمان با برنامه زنده تلویزیون انترناسیونال که بطور ویژه در حمایت از کارگران نساجی اجرا میشود، برای تلویزیون انترناسیونال ارسال شده بود که متأسفانه بموقع بدست ما نرسید و امکان پخش آن فراهم نشد.



نیات مسخره و کمدی هیئتی از عراق در ایران!

ناصر اصغری

برقراری يك حکومت اسلامی و مردم در عراق تضمین کنند. این سخنان بدون شك رو به طبقه کارگر عراق منعکس و توی بوق خواهند شد، که اگر کسی از سوابق "درخشان" خانه کارگری ها اطلاعی نداشته باشد، دچار این توهم خواهد شد که يك تشکل کارگری پشتیبان جماعت اسلامی در عراق می باشد! بدون شك جریانات اسلامی در عراق از همکیشانان در ایران آموخته اند که در انقلاب ۵۷ این طبقه کارگر بود که کاری ترین ضربه را به رژیم شاه وارد کرد؛ و این طبقه پتانسیل این را نیز دارد که آنها را يك شبه دود کند و به هوا بفرستند و یا بقدرت برساند! می خواهند تا آنجا که امکان دارد، طبقه کارگر را در معادلات آینده عراق پشت سر خودشان داشته باشند. از آنچه که در این دیدارهای منعکس شده در ایلنا بر می آید، این است که این جماعت اسلامی نه تنها می خواهند از تجارب سرکوب و جاسوسی و کارگرکشی خانه کارگر استفاده کنند، بلکه از هم اکنون دارند برنامه می ریزند که از کارگران عراقی برای اهداف شومشان برای برقراری يك بختک اسلامی در عراق استفاده بکنند. این البته وظیفه کمونیستها و پیشروان کارگری است که طبقه کارگر عراق را از يك چنین ترفندی مطلع سازند و سرکوب اعتراضات کارگران در ایران، بیحقوقی مطلق حاکم کردن بر محیط کار و نپرداختن شندرغاز دستمزد کارگران را به اطلاع بخش هر چه وسیعتری از کارگران عراق برسانند و این جریانات اسلامی را از آنچه که هستند بی آبروتر کنند و توطئه شوم شان را برملا سازند. *

اوائل دی ماه امسال هیئتی تحت عنوان "اتحادیه کارگران عراق" بنابه دعوت خانه کارگر رژیم جمهوری اسلامی برای "آشنائی و تبادل نظر" از ایران دیدن کرد. باید درباره این جماعت که بعنوان "نمایندگان طبقه کارگر عراق" از نهادهای سرکوب رژیم اسلامی ایران دیدن می کنند و بقول محبوب دنبال "تجارب مفیدی" از خانه کارگر برای سازماندهی کارگران عراق هستند، بیشتر تحقیق کرد. آنطور که از گفته های خودشان برمی آید، اینها همان جماعت دست ساز صدام حسین بودند (چیزی شبیه سندیکاهاى زرد حزب رستاخیز زمان شاه) که بعد از سقوط صدام، اعضای حزب بعث نیز متواری گشته اند و این جماعت خودشان را سازمان دادند و آنطور که بنظر می رسد جای آنها را این بار اسلامی ها پر کرده اند. اما آنچه که در لایالی خبرهای خبرگزاری کار ایران (ایلنا) درز کرده است، دم خروس زمخت این جماعت است. مشاور سیاسی رئیس مجلس اعلاى اسلامی عراق، سید محسن حکیم است؛ و بنظر می رسد که تمام هدف اینها و خانه کارگر در این دیدار، آبرو و رأی خریدن برای آیت الله حکیم و دار و دسته اسلامی های طرفدار مجلس اعلاى اسلامی عراق است. محبوب در دیدار خود با این جماعت، به "سابقه ظلم ستیزی خانواده حکیم در طول چند قرن (!) گذشته" اشاره می کند؟! علی طالبی، دبیر اجرائی خانه کارگر قم هم در دیدار با این جماعت می گوید: "امیدوارم مردم شریف عراق از موقعیت فعلی بهترین استفاده را بکنند تا آینده کشورشان را با

پس مانده ها و درمانده ها و شکست خوردگان اصلاحات در جمهوری اسلامی این بار با همان هدف یعنی کوتاه کردن دست مردم در دخالت در تعیین مقدراتشان فیل دیگری هوا کرده اند، فهمیده اند که دیگر تنوری برای گرم کردن در داخل حکومت برجای نمانده است، فهمیده اند که دیگر مردم برای آنها بعنوان چرخ پنجم گاری حجج اسلام: مصطفی معین، محسن رضایی، حسن روحانی، علی لاریجانی، علی اکبر ولایتی، هاشمی رفسنجانی و کروی تیره خرد نمی کنند. پس به فکر به پا کردن تنور در خارج از حاکمیت افتاده اند، تنور فراندوم در جمهوری اسلامی! حضرات که در اعلامیه اولشان اعلام کرده بودند که میخواهند با برگزاری فراندوم و تشکیل مجلس موسسان در يك "حماسه" ملی و مخملی جمهوری اسلامی را ساقط کنند، آنچنان به سخره کشیده شدند که بلافاصله اعلامیه دوم را صادر فرمودند و اعلام کردند هدفشان این بوده که "امر فراگیر شدن بحث فراندوم در جامعه" را جابجاء کنند. بعد هم خانم مهرانگیر کار صریح و روشن اعلام کرد: "شاید از این طریق، در فضای موجود دلمردگیها، حرکتی ایجاد شود".

اما جامعه مالمال از تحرك است، جامعه از فرط بالا رفتن دمای آن در آستانه انفجار است، دلمردگی، دلسردی و بی تحرکی مشکل مردم نیست، هیزم انداختن به تنور یخ جمهوری اسلامی و فراندوم بازی های مضحك پيشه شما است.

حقیقت این است که هم سران جمهوری اسلامی و هم سران اپوزیسیون بورژوازی این رژیم جهانی، از وحشت همین دما است که هربار تنورشان را جایی و به بهانه ای بپا میکنند، جنگ اینها با هم، جنگ داخلی باندهای حکومتی با هم، همه واقعی هستند، این بحران فروکش نخواهد داشت و دمای مبارزاتی مردم هربار کوره تنور این حضرات را سرد و سردتر خواهد کرد. مردم از توهم اصلاح پذیر بودن جمهوری اسلامی عبور کرده اند. جمهوری اسلامی رفتنی است، مردم آن را بزیر خواهند کشید. این تنها حقیقتی است که این فیل هوا کردها و تنور بپا کردن ها را موجب میشود.

اما هرگز پس ماندگان هر حرکت و هر تند پیچی به پیش کسوتان آن تبدیل نخواهند شد. به مضحکه های آن مبدل خواهند گردید. *



سیاوش مدرسی

در حاشیه رویدادها

تنور سرد انتخابات و فراندوم

صرفاً به خطر امریکا و سیاست خارجی تعدیل میدهد اما پیش از این و قبل از سال ۱۳۷۶، حاجی خاتمی رسماً از بیم موج در داخل حرف میزد، در هرحال خطر سرنگونی جمهوری اسلامی در داخل آن زنگ خطری است که همواره سران حکومتی و مثلاً گمانه زنهای داخلی و خارجی را به فکر هوا کردن فیلهایی از این قبیل انداخته است.

حقیقت این است که جمهوری اسلامی در آستانه سرنگونی قرار دارد، تمام پالاتفرمهای نجات پیش از این آزمایش شدند و دیگر تاریخ مصرفشان بسر رسیده است، دوران جنگ با عراق، دوران باسازی اقتصادی "سردار سازندگی"، دوران "رفرم و اصلاحات!" و در تمام این دورانهای جناحهای مختلف بورژوازی داخلی و خارجی با صرف میلیونها دلار و اجیر کردن کرور کرور کارشناس و جامعه شناس دانشگاهی و ژورنالیست و توده ای و اکثریتی و سلطنت پرست به صف شدند که بحران لاعلاج جمهوری اسلامی را بدون دخالت مردم از پائین به سرانجامی برسانند. حاصل این همه مجاهدت و اینهمه سرمایه فقط و فقط طولانی تر کردن عمر جمهوری اسلامی بود، چند صباحی مردم را سرکبسه کردند اما جامعه با تمام بیزاری و ناراضیتیش از جمهوری اسلامی، و جمهوری اسلامی با تمام توحش، سیبعت و بحرانهای علاج ناپذیرش برجای ماند.

مشکل بازار گرمی انتخابات، سرکار گذاشتن دولت امریکا و سرکبسه کردن دول اروپائی نیست، مشکل مردمند و حکمشان به لغو کلیت نظام است. صورت مسئله امروز همان صورت مسئله است که از آغاز جمهوری اسلامی با آن دست بگریبان بوده و با داغ و درفش و اعدام و سنگسار توانسته است آن را پس براند و تاریخ سرنگونیش را به تعویق اندازد. صورت مسئله همان است که متحدين ديروز به اصطلاح رفرمیست های درون و بیرون حاکمیت ناچاراً و بعد از شکستهای هزار بارشان تحت فشار مردم به آن عطف توجه نشان میدهند.

قرار است شش ماه دیگر یعنی در ۲۷ خرداد ماه سال دیگر فیل مضحکه انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران دو باره هوا شود. اما تا این لحظه فراندومچی ها تاریخ برگزاری فراندومشان را هنوز علام نکرده اند.

در بازار انتخابات مهره ها یکی یکی به پیش صحنه رانده میشوند، رسانه هایی نظیر بی بی سی شانه به شانه رسانه های داخلی گرم بقول خودشان گمانه زنی، گفتمان و چانه زنی و بازار گرمی در مورد مسئله اند.

تا همین چند روز پیش این شخصیت های "برجسته" تمایلشان را برای کاندید شدن اعلام کرده بودند: مصطفی معین وزیر سابق علوم، محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران، حسن روحانی مسئول مذاکرات هسته ای با اروپا، علی لاریجانی رییس سابق رادیو و تلویزیون، علی اکبر ولایتی وزیر سابق امور خارجه، که یکباره شایعه در مورد حضور هاشمی رفسنجانی کلی سناریو را پرسوز و گداز تر کرد. اما روشن کاندیداتوری حاج آقا کربویی و اعلام آن پس از نشست با "مجمع اسلامی بانوان" که به ریاست همسرشان حاجیه خانم نمیدانم چی! چی! برگزار شده بود، بازهم نفس ها را در سینه هرچی گمانه زن حرفه ای است حبس کرد.

کروبی علت شرکتش در انتخابات را به ایرنا اینگونه توضیح میدهد: "اگر این انتخابات سرد برگزار شود، فشارهای بین المللی مضاعف خواهد شد. انتخابات آتی بسیار سرنوشت ساز است و اگر باشکوه برگزار شود، يك سلسله فشارهای بین المللی برداشته شده یا کم رنگ تر می شود"، دبیر کل مجمع روحانیون مبارز با اشاره به حضور گسترده مردم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶، گفت: "این انتخابات باعث شد که خطرها از کشور دور شود، زیرا امریکا صراحتاً در پی این بود که چند مکان را مورد حمله قرار دهد، اما با حضور گسترده مردم این مساله رفع شد." حاج آقا کربویی خطراتی که جمهوری اسلامی را تهدید میکنند

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران
مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal